



تماشای غزه از پنجره زندگی

غزه را بیشتر با تصاویر ویرانی می‌شناسیم؛ با ساختمان‌هایی که فرو می‌ریزند، کودکانی که در میان آوار هستند و نام‌هایی که به فهرست بلند قربانیان جنگ اضافه می‌شوند. اما پشت این تصاویر، شهری وجود دارد که زندگی در آن، پیش از آنکه به خبر تبدیل شود، جریان داشته است؛ مردمی که کار می‌کردند، درس می‌خواندند، هنر می‌آفریدند، عاشق می‌شدند و برای آینده رؤیا داشتند.

«سپیده‌دم در غزه» می‌کوشد همین تصویر کمتر دیده‌شده را به مخاطب نشان دهد؛ غزای که فقط یک جغرافیای درگیر جنگ نیست، بلکه سرزمینی با فرهنگ، خاطره و مردمانی صاحب داستان است.

کتاب «سپیده‌دم در غزه؛ روایت‌هایی از زندگی و فرهنگ فلسطینیان» نوشته محمود مونا و متنو تلر با ترجمه یعقوب نعمتی وروجنی که توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار شده؛ مجموعه‌ای از روایت‌هایی است که مخاطب را به زندگی مردم غزه نزدیک می‌کند. نویسندگان به جای آنکه صرفاً درباره تحولات سیاسی و نظامی سخن بگویند، به‌سراغ آدم‌ها رفته‌اند؛ آدم‌هایی از مشاغل و موقعیت‌های مختلف که هر کدام بخشی از تصویر بزرگ‌تر جامعه فلسطینی را پیش روی خواننده می‌گذارند.

اهمیت کتاب در همین تغییر زاویه نگاه است. وقتی اخبار جنگ را دنبال می‌کنیم، آدم‌ها اغلب به عدد تبدیل می‌شوند؛ تعداد کشته‌ها، مجروحان یا آوارگان. اما روایت، عدد را به انسان تبدیل می‌کند. به کسی که نام دارد، گذشته دارد، خانواده‌دار و پیش از آنکه قربانی جنگ باشد، زندگی داشته است. «سپیده‌دم در غزه» از این منظر، کتابی درباره زندگی روزمره در سایه یک بحران طولانی است.

روایت پزشک، هنرمند، معلم، ورزشکار یا دانشجو فقط شرح یک زندگی شخصی نیست؛ هر کدام قطعه‌ای از فرهنگ و جامعه‌ای هستند که تلاش می‌کند هویت خود را حفظ کند. همین روایت‌های فردی کمک می‌کنند غزه را نه فقط از منظر سیاست و جنگ، بلکه از در پیچه فرهنگ و جامعه ببینیم.

یکی از وجوه قابل تأمل کتاب، توجه به مفهوم حافظه است. در سرزمینی که جنگ می‌تواند خانه‌ها، بناها و نشانه‌های تاریخی را از بین ببرد، خاطره و روایت به شکل دیگری از حفظ گذشته تبدیل می‌شود.

آدم‌ها با تعریف کردن داستان زندگی خود، از آنچه داشته‌اند و آنچه از دست داده‌اند، تصویری باقی می‌گذارند؛ تصویری که قرار نیست در میان خبرهای روزانه ناپدید شود. از همین جاست که عنوان کتاب نیز معنای نمادین پیدا می‌کند. «سپیده‌دم» را می‌توان نشانه امید و امکان آغاز دوباره دانست؛ نوری که قرار است پس از تاریکی پدیدار شود. کتاب، اگرچه از رنج، فقدان و ویرانی سخن می‌گوید، اما در نهایت فقط روایت مرگ نیست بلکه روایت اصرار انسان بر ادامه دادن زندگی نیز هست.

شاید جذاب‌ترین ویژگی «سپیده‌دم در غزه» این باشد که مخاطب را مجبور می‌کند چند لحظه از تصاویر آشنای جنگ فاصله بگیرد و پشت آن تصاویر را ببیند.

پشت هر خانه ویران‌شده، خانه‌ای بوده که در آن خانواده‌ای زندگی می‌کرده؛ پشت هر مدرسه تخریب‌شده، دانش‌آموزانی بوده‌اند که رؤیاهایی برای آینده داشته‌اند و پشت هر بنای تاریخی، بخشی از حافظه یک جامعه قرار داشته است.

به همین دلیل، «سپیده‌دم در غزه» را نمی‌توان تنها کتابی درباره جنگ دانست. این کتاب تلاشی است برای بازگرداندن چهره انسانی غزه؛ برای اینکه مخاطب، پیش از آنکه ویرانی را ببیند، زندگی‌ای را ببیند که در این سرزمین جریان داشته و هنوز، با همه زخم‌هایش، می‌خواهد ادامه پیدا کند. در جهانی که خبرها سریع می‌آیند و سریع فراموش می‌شوند، شاید روایت کردن زندگی آدم‌ها یکی از معدود راه‌هایی باشد که می‌تواند مانع فراموشی شود. «سپیده‌دم در غزه» از همین مسیر می‌رود؛ از خبر فاصله می‌گیرد، به آدم‌ها نزدیک می‌شود و از مخاطب می‌خواهد غزه را یک بار نه از قاب جنگ، که از پنجره زندگی تماشا کند.

فرهنگ و هنر

نیایش احمدی | داستان کوتاه با وجود قدمتی بیش از

یک قرن در ادبیات معاصر ایران، امروز با پرسش‌های جدی درباره جایگاه خود در بازار نشر، نسبتش با رمان و میزان توجه مخاطبان و ناشران روبه‌رو است. کاهش اقبال به مجموعه‌های داستان کوتاه، تغییر سلیقه مخاطبان و شرایط اقتصادی نشر، تنها بخشی از مسائلی است که آینده این گونه ادبی را با ابهام مواجه کرده است؛ با این حال، داستان کوتاه همچنان یکی از مهم‌ترین میدان‌های تجربه فرم، زبان و روایت در ادبیات ایران به شمار می‌رود و نویسندگان بسیاری همچنان به آن وفادارند. حمید بابایی، نویسنده داستان کوتاه و رمان، از جمله نویسندگانی است که مسیر ادبی خود را با داستان کوتاه آغاز کرده و تجربه این گونه را در رمان‌نویسی نیز با خود همراه کرده است. او دبیری چند کتاب با مشارکت دیگر نویسندگان از جمله کتاب «اتوبوس فیروزه‌ای» و «مرثیه آخر» را در کارنامه دارد. «غول خمره»، «پیاده»، «خاک سفید»، «ده تن» و «قاچ آخر» نیز از جمله آثار منتشرشده او هستند. بابایی در این گفت‌وگو از نسبت داستان کوتاه و رمان، تأثیر تجربه داستان کوتاه بر شیوه نوشتنش، دلایل کمرنگ شدن این گونه در بازار نشر و وضعیت آن در ادبیات امروز گفته است.

■ شما کارتان را با داستان کوتاه آغاز کردید. داستان کوتاه چه چیزی به شما آموخت که بعدها در رمان‌نویسی به کارتان آمد؟

داستان کوتاه اساساً بر تکنیک استوار است و در آن، فرم و تکنیک حرف اول را می‌زند. من در رمان‌نویسی تا حدودی متوجه شدم که فرم و تکنیک باید در خدمت محتوا باشند.

داستان کوتاه به من یاد داد که پر حرفی نکنم؛ هرچند رمان جنسش با پر حرفی و زیاد صحبت کردن هم می‌تواند همراه باشد، اما من یاد گرفتم کمی مختصرتر بنویسم و ساده‌نویسی داشته باشم. در رمان «خاک سفید» که دومین اثر منتشرشده من است، اتفاقاً این ویژگی‌های داستان کوتاه کاملاً دیده می‌شود. برای همین، مدام تغییر زاویه دید داریم، راوی عوض می‌شود و اقتصاد کلمات در آن بسیار زیاد است؛ حتی شاید اگر بخواهم امروز به‌عنوان یک نویسنده درباره آن اثر قضاوت کنم، همین موضوع را یکی از ضعف‌های آن بدانم. اما به هر حال، داستان کوتاه این چیزها را به من یاد داد.

■ داستان کوتاه چه محدودیت‌هایی برای نویسنده ایجاد می‌کند که هنگام ورود به رمان باید از آن‌ها عبور کند؟

داستان کوتاه به‌خاطر حجم و فرم خودش، شما را مجبور می‌کند محدود بنویسید. در رمان، می‌توانید بعضی مسائل را تکرار کنید اما در داستان کوتاه اجازه چنین کاری را ندارید. این‌ها از جمله تفاوت‌های داستان کوتاه و رمان است. جهان‌سازی در داستان کوتاه به‌مراتب دشوارتر از رمان است. شما در رمان زمان و مجال دارید، اما داستان کوتاه این فرصت را برای ساختن یک جهان در اختیارتان نمی‌گذارد. بنابراین، باید همه چیز را بسیار فشرده و در بسیاری از موارد با ایجاز بیان کنید تا آن جهان و شخصیت شکل بگیرد. جنس شخصیت‌پردازی نیز اساساً در داستان کوتاه با رمان متفاوت است. در رمان می‌توانید یک شخصیت را آهسته‌آهسته بسازید و پرورش و رشدش بدهید، اما در داستان کوتاه هم رشد شخصیت داریم، هم شکل و شیوه این رشد با رمان متفاوت است. در واقع، داستان کوتاه و رمان دو جهان متفاوت‌اند. برای همین، برای نوشتن رمان الزماً لازم نیست که نویسنده حتماً مسیر داستان کوتاه را طی کرده باشد؛ اما تمرین داستان کوتاه می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد.

■ به نظر می‌رسد داستان کوتاه در فضای ادبی امروز نسبت به رمان کمتر دیده می‌شود؛ هم در بازار نشر و هم در توجه رسانه‌ای و حتی جوایز. چرا به داستان کوتاه این قدر کم توجه شده است؟

چند مسئله در کنار هم قرار دارد. ما در دهه ۸۰ با انباشت چاپ مجموعه‌های داستان کوتاه مواجه بودیم که بسیاری از آن‌ها کیفیت چندانی نداشتند. حتی در میان مجموعه‌هایی که ناشران خوبی منتشر می‌کردند، وقتی داستان کوتاه می‌خواندیم، شاید از میان یک مجموعه فقط

حمید بابایی از کم‌رونق شدن مجموعه داستان‌ها در بازار نشر و آینده ادبیات داستانی می‌گوید

داستان کوتاه زیر سایه چالش‌های بلند



نوعی سانسور داستان کوتاه خوب صورت‌گرفت نیز به‌شدت به این حوزه آسیب‌زد و در مجموع، همه این عوامل موجب شد داستان کوتاه به‌جایگاهی که امروز دارد برسد.

■ این کم‌توجهی را باید بیشتر ناشی از اقتصاد نشر دانست یا سلیقه مخاطب یا سیاست ناشران یا نگاه خود نویسندگان و منتقدان؟

همه این عوامل در کنار یکدیگر مؤثر بوده‌اند. برخی از نویسندگان ما در حوزه داستان کوتاه آثار قابل توجهی تولید نکردند و همین مسئله به این حوزه آسیب زد. ناشر نیز به‌تدریج به این نتیجه رسید که کمتر به سراغ داستان کوتاه برود. از سوی دیگر، مخاطب نیز آرام‌آرام به سمت رمان ایرانی و کارهای ترجمه‌گرایش پیدا کرد و در کنار آن، انتشار و توجه بیشتر به برخی رمان‌ها، این روند را تشدید کرد. در نهایت، مجموعه این عوامل در

یکی دو داستان واقعاً خوب و درخشان پیدا می‌کردیم. از سوی دیگر، بخشی از این وضعیت به سیاست‌های فرهنگی و آن چیزی برمی‌گردد که من از آن با عنوان «مهندسی فرهنگی» یاد می‌کنم. این مسائل در کنار هم سبب شد استقبال مخاطب از داستان کوتاه به‌تدریج کم شود و مخاطبان بیشتر به سمت رمان بروند. امروز هم گونه‌هایی مانند «ناداستان» یا روایت‌نویسی مورد استقبال قرار گرفته‌اند که البته به‌نظر من، آن‌ها هم به‌زودی به‌سرنوشت داستان کوتاه دچار خواهند شد؛ به‌خصوص با این روندی که ناشران ما در پیش گرفته‌اند و مدام این گونه را رواج می‌دهند. این نوع ناداستان که در کشور ما رواج پیدا کرده، در واقع فقط یکی از گونه‌های ناداستان است که از جهان غرب آمده و روش‌ها و شیوه‌های دیگری برای نوشتن آن وجود دارد که آن گونه نوشتن، هم تجربه نوشتن می‌خواهد و هم آشنایی با تکنیک‌های نوشتن،



یعنی صرفاً دارا بودن تجربه زیسته و قلم به‌دست بودن، ما را تبدیل به کسی که روایت‌نویسی می‌کند، نمی‌کند. اگر با آن هم به شکل نادرستی برخورد شود، ممکن است همان آسبایی که به داستان کوتاه وارد شد، به ناداستان هم وارد شود. جوایز داستان کوتاه همچنان وجود دارند و ما هنوز جوایز ادبی جدی در حوزه داستان کوتاه داریم. اما واقعیت این است که مجموعه‌ای از عوامل، از سیاست‌های ناشران گرفته تا سیاست‌های غلط دولتی و این تصور که داستان کوتاه گونه‌ای سهل و ممتنع است، به این وضعیت دامن زده‌اند.

برخی نویسندگان هم تصور کردند هر متن کوتاهی که بنویسند، الزماً داستان است. در کنار همه این‌ها، سیاست‌های مهندسی فرهنگی که از سوی حاکمیت برای

■ با وجود ظرفیت‌های داستان کوتاه برای تجربه فرم، زبان و ایده‌های تازه، چرا به نظر می‌رسد ادبیات معاصر ایران همچنان رمان‌محور است؟

اتفاقاً من با این برداشت چندان موافق نیستم. به نظر من، ادبیات ما همچنان به‌شدت داستان کوتاه‌محور است. اگر داستان کوتاه را در مقایسه با رمان بررسی کنیم، می‌بینیم عمر رمان جدی در ادبیات ما شاید به ۶۰ یا ۷۰ سال برسد، اما داستان کوتاه ما از ۱۰۰ سال عبور کرده است. حتی در بسیاری موارد، داستان‌های کوتاه ما از رمان‌ها جلوتر بوده‌اند. بعضی از داستان‌های کوتاهی که من خوانده‌ام، در حد آثار نویسندگان جهانی و هم‌سطح با آن‌ها حرکت می‌کنند. ما داستان کوتاه بسیار خوبی داریم؛ هم از نظر فرم و هم از نظر زبان. داستان‌های کوتاه هوشنگ گلشیری همچنان محل اعتنا هستند. بنابراین، به نظر من نباید این گونه به مسئله نگاه کنیم که داستان کوتاه در ادبیات ما کنار گذاشته شده و همه چیز رمان‌محور شده است. داستان کوتاه ما، با تمام مشکلاتی که وجود دارد، همچنان بسیار جدی است و مخاطب نیز دارد. البته ناشران به دلایل اقتصادی و مسائل دیگری که پیش‌تر به آن‌ها اشاره کردم، کمتر به‌سراغ داستان کوتاه می‌روند؛ اما داستان کوتاه خوب همچنان مخاطب خود را دارد و خوانده می‌شود.

■ آینده داستان کوتاه را با توجه به شرایط امروز نشر و ادبیات ایران چگونه می‌بینید؟

اگر وضعیت به همین صورت پیش برود، من در آینده نه‌تنها برای داستان کوتاه، بلکه برای رمان و دیگر گونه‌های ادبی نیز چشم‌انداز روشنی نمی‌بینم. با توجه به وضعیت فاجعه‌باری که در قیمت‌گذاری، کاغذ و صدها مسئله دیگر وجود دارد، نسبت به آینده امیدی ندارم. اگر قرار باشد این شرایط همچنان ادامه پیدا کند، طبیعتاً وضعیت ادبیات نیز دشوارتر خواهد شد. به نظر من لازم است ناشران در حوزه داستان کوتاه واقعاً بازنگری کنند و دوباره حمایت‌هایی از این حوزه صورت بگیرد. مثلاً ناشران می‌توانند برای خودشان سیاست مشخصی تعریف کنند؛ اینکه هر سال هشت یا ۱۰ مجموعه داستان کوتاه منتشر کنند و در میان آن‌ها، هر سال به دنبال معرفی یک یا دو چهره جدید باشند. به نظر من ادبیات ما باید از این حالت محفلی خارج شود. عده‌ای دور هم جمع شده‌ایم و مدام خودمان را به یکدیگر معرفی‌واژ یکدیگر تعریف می‌کنیم. اگر چهره‌های جدید وارد این حوزه شوند و آثار تازه‌ای ارائه شود، می‌تواند اتفاق بسیار خوب و مثبتی برای ادبیات ما باشد. بیشتر چهره‌های جدی نویسندگی الان در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند که می‌توان همچنان آن‌ها را معرفی کرد.

■ در حال حاضر روی نگارش چه آثاری کار می‌کنید و آیا مجموعه رمان جدیدی در دست انتشار دارید؟

در حوزه داستان کوتاه، دو مجموعه آماده چاپ دارم اما فعلاً برای انتشارشان با ناشری صحبت نکرده‌ام و تصمیم‌گیری درباره آن‌ها را به فرصت مناسب موکول کرده‌ام. یک ایده برای رمان هم دارم که ساختارش فصل‌به‌فصل است و هر فصل یک داستان کوتاه محسوب می‌شود. نوشتن آن را حدود سه، چهار سال پیش آغاز کردم و دو فصل آن را نوشته‌ام، اما به‌دلیل برخی مسائل و مشکلات مالی، فعلاً آن را کنار گذاشته‌ام. در حال حاضر، جدی‌ترین کاری که روی آن تمرکز دارم، مجموعه‌ای داستانی درباره «بی‌بی مریم» است. پیش از این نیز حدود پنج مجموعه داستان کوتاه را زیر نظر خودم منتشر کرده‌ام که چهار مجموعه از آن‌ها درباره قهرمانان دوره مشروطه و شخصیت‌های ضداستعماری و ضداستبدادی بوده است. مجموعه‌هایی درباره فرخی یزدی و میرزا کوچک‌خان جنگلی نیز در دست انتشار دارم. در کنار این‌ها، در تلاش هستم مجموعه داستان‌های کوتاهی را که سال‌ها پیش نوشته‌ام، بازنویسی و برای انتشار آماده کنم. یکی از این مجموعه‌ها درباره امام رضا(ع) است و داستان‌های آن، با وجود معاصر بودن، به‌شخصیت ایشان و فضای حرم مطهر مرتبط می‌شوند. مجموعه دیگری نیز درباره موضوعات مختلف دارم و یک کار نیمه‌تمام درباره گروهک فرقان که پنج داستان آن را نوشته‌ام. این مجموعه را به‌دلیل مطالعات و پژوهش‌هایی که در زمینه تاریخ معاصر و به‌طور مشخص درباره فرقان‌ها داشته‌ام، بسیار دوست دارم، اما هنوز ناشری برای آن پیدا نکرده‌ام.

آگهی اخطار

از این طریق اخطار میگردد دیوار کشی غیر مجاز متعلق به آقای طهماسبی به مشخصات (طول ۵۰متر، عرض ۲۰ سانتی متر و ارتفاع ۱۰۸۰ متر) به آدرس : شهرک ینگی امام .خیابان طالقانی .سرنیش کوچه مومنی ، و با توجه به اینکه دیوار مذکور در معبر عمومی بوده و دارای شکای میباشد لذا اخطار میگردد ظرف مدت ده روز پس از چاپ آگهی به محل دبیر خانه کمیسیون ماده صد شهر داری هشتگرد مراجعه نمایید در غیر اینصورت رای بدوی قطعی بوده و قابل اجرا میگردد.

دبیر خانه کمیسیون ماده صد شهر داری هشتگرد

(آگهی مزایده ۶-۳۷-۱۴۰۵) نوبت دوم

اداره کل راه آهن خراسان در نظر دارد موضوع ذیل را از طریق برگزاری مزایده به متقاضی واجد شرایط واگذار نماید .
پیمانکاران واجد شرایط جهت شرکت در مزایده می بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی **www.setadiran.ir** اقدام نمایند.لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مزایده از فراخوان تا انعقاد قرارداد از طریق سایت مزبورانجام می گردد.

۱- موضوع مزایده : اجاره سوله تعمیرات واگن مسافری ایستگاه راه آهن شهید رئیسی مشهد .

۲- مهلت خرید اسناد : تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۴

۳- مهلت ارسال اسناد : تا ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۵
درسامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **www.setadiran.ir** و فیزیکی : دبیرخانه اداره کل راه آهن خراسان .

اداره کل راه آهن خراسان

شرکت تعاونی مسکن کارکنان اداره کل راه و شهر سازی خراسان رضوی شماره ۲ شماره ثبت : ۳۹۱۳۱ شناسه ملی : ۰۳۸۰۵۴۸۵۴۸ (نوبت اول)

به موجب ماده ۲۲۵ لایحه اصلاحی قانون بخش تعاونی و با توجه به شروع فرآیند انحلال شرکت ، بدینوسیله از کلیه بستانکاران حقیقی و حقوقی دعوت میشود حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی ، با در دست داشتن مدارک هویتی معتبر (کارت ملی یا شناسنامه) و مستندات مربوط به مطالبات خود ، به مدیران تصفیه شرکت " آقای اکبرزاده و خانم مولوی و آقای دریایی " واقع در آدرس " اداره کل راه و شهر سازی خراسان رضوی واقع در چهار راه خیام " مراجعه نمایند . بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور – شرکت وفق مقررات قانونی نسبت به تعیین تکلیف بدهی های اعلام نشده اقدام خواهند نمود و دیگر هیچ ادعایی در این خصوص قابل پذیرش نخواهد بود.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت صنایع پروفیل سیناشرق (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۱۴۵ و شناسه ملی ۰۳۸۰۳۱۷۵۸۹

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت میگردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده صاحبان سهام شرکت صنایع پروفیل سیناشرق (سهامی خاص) برای سال منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ که رأس ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۸ در محل شرکت واقع در استان خراسان رضوی – شهرستان مشهد – بخش مرکزی شهر مشهد – بلوار فردوسی – خیابان نمونه یک – پلاک ۵۱ تشکیل میگردد حضور بهم رسانند .

دستور جلسه :

۱.استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲.بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود وزیان شرکت برای سال منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳.انتخاب بازرس قانونی شرکت و بازرس علی البدل برای سال منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۴.سایر مواردی که تصمیم گیری راجع به آنها در صلاحیت مجمع عمومی عادی میباشد .

با احترام هیئت مدیره

